

سوگیری‌های شناختی در قضاوت حرفه‌ای حسابرسی

ابراهیم ابراهیمی

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

عضو پیوسته انجمن حسابداری ایران

آدرس: تهران؛ شهرک غرب، بلوار دریا، پلاک ۲۴۰؛ طبقه ۲

شماره تلفن: ۰۹۱۲۷۹۸۷۹۲۰ - ۸۸۵۶۱۴۶۸

رایانامه: ebrahimi705@gmail.com

حجت اسماعیل زاده

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

عضو انجمن حسابداری ایران

آدرس: بزرگراه جلال آل احمد - پل نصر - دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

شماره تلفن: ۰۹۳۶۹۱۲۲۲۰۹

رایانامه: hojat.esmaeilzadeh@gmail.com

سوگیری‌های شناختی در قضاوت حرفه‌ای حسابرسی

چکیده

قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرس متأثر عواملی است که از جمله‌ی آن می‌توان عوامل محیط کاری حسابرسی، ویژگی‌های حسابرس، شواهد، فرایند تصمیم‌گیری و ویژگی‌های شخصیتی حسابرس را نام برد. نقش عوامل فرایند تصمیم‌گیری در این میان بیشتر از همه مورد توجه بوده است. اعمال یک قضاوت خوب به طور یکنواخت در یک محیط کسب و کاری که پیوسته در حال افزایش پیچیدگی و پویایی، عدم اطمینان و فشار بالاست، مستلزم یک فرایند منظم است. از این رو باید دام‌ها و سوگیری‌های متداولی را مورد توجه قرار داد که می‌تواند قضاوت‌های حرفه‌ای را تحت تاثیر قرار دهند. سوگیری شناختی به تمایل افراد برای ارتکاب سیستماتیک خطاهای قضاوتی در زمان تصمیم‌گیری اشاره دارد. خطاهای قضاوتی، اغلب نتیجه رفتارهای مکاشفه‌ی ذهنی یا میانبرهای پردازش اطلاعات است که در فرآیند تصمیم‌گیری بشری جای گرفته‌اند. ده‌ها نوع از سوگیری‌های شناختی توسط روانشناسان شناسایی و دسته‌بندی گردیده است که برخی از آن‌ها در محاورات روزانه نیز استفاده می‌شود. لکن در حسابرسی برخی از آنها اهمیت بیشتری می‌یابد. در این مقاله، این سوگیری‌ها معرفی و راهبردهایی برای پیشگیری از آن ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: حسابرسی، سوگیری شناختی، قضاوت حرفه‌ای

مقدمه

ورود به یک حرفه‌ی تخصصی که نیازمند تصمیم‌گیری است، مستلزم مشخصه‌ها و ویژگی‌های متمایزی است که مهمترین آن توانایی اتخاذ قضاوت‌های حرفه‌ای با کیفیت بالا به طور یکنواخت است. قضاوت حرفه‌ای به عنوان زیربنای حرفه‌های حسابداری و حسابرسی در متون و ادبیات حرفه‌ای اشاره شده است. شاید برای شما اتفاق افتاده باشد که در برخی از دروس دانشگاهی حسابداری و حسابرسی و یا در هر وضعیت دیگری، راجع به پرسش استاد درس یا طرف مقابل این پاسخ را دهید: "بستگی دارد؛ این یک موضوع قضاوتی است". این پاسخ به وفور در حسابرسی رخ می‌دهد، اما قطعاً برای کسی که در مرحله‌ی یادگیری، چه در کلاس درس و چه به عنوان کارآموز در عمل است، رضایت‌بخش نیست. بنابراین نخست باید برای یادگیرنده، قضاوت حسابرسی را تعریف کرد، فرایند آن را تشریح کرد و سپس به مواردی اشاره کرد که منجر به سوگیری در آن می‌شود.

قضاوت به مفهوم "فرایند دستیابی به یک تصمیم یا استخراج نتیجه‌گیری است که در آن چند راه کار جداگانه‌ی ممکن وجود دارد". انجام قضاوت از تصمیم‌گیری جدا است. تصمیم‌گیری مستلزم عمل انتخاب میان گزینه‌های مختلف یا راه کارهای مختلف است، در حالی که قضاوت، با توجه به فرهنگ و بستر، مستلزم "فرایند شکل دهی و چارچوب بندی یک نظر یا ارزیابی از طریق مقایسه و تمیز است". بنابراین قضاوت زیر مجموعه‌ای از فرایند تصمیم‌گیری است و بسیاری از قضاوت‌ها نوعاً در جهت دستیابی به یک تصمیم انجام می‌شود [۷].

قضاوت در وضعیت ابهام و ریسک رخ می‌دهد. در حوزه‌های حسابداری و حسابرسی، قضاوت معمولاً در سه حوزه کلی انجام می‌شود [۷]:

- **ارزیابی شواهد** (یعنی اینکه آیا شواهد بدست آمده از شرایط، همراه با سایر شواهد حسابرسی، فراهم کننده‌ی شواهد مناسب و کافی برای تعیین اینکه آیا حساب‌های دریافتی به طور منصفانه‌ای ارائه می‌شود یا نه، هست؟)

• **برآورد احتمالات** (تعیین اینکه آیا جریان‌های نقدی موزون بر حسب احتمال، که از سوی شرکت برای تعیین قابلیت بازیافت دارایی‌های بلندمدت استفاده شده است، منطقی هستند)

• **تصمیم‌گیری بین گزینه‌ها** (یعنی انتخاب روش‌های حسابرسی، مانند پرس و جو از مدیریت و بازرسی یا تاییدیه خواهی)

اجزای قضاوت عبارتند از: منطقی و انعطاف پذیر؛ غیرسوگیرانه؛ یکنواخت و اتکاپذیر؛ تعادل مناسب تجربه با دانش، شهود و انگیزش؛ و استفاده از میزان صحیح اطلاعات مربوط. فرایند قضاوتی که دربرگیرنده‌ی این اجزا باشد را می‌توان برای قضاوت‌های کوچک و کم اهمیت و نیز قضاوت‌های مهم و خیلی سخت استفاده کرد.

به وفور اشاره شده است که اعمال یک قضاوت خوب تا اندازه زیادی به معنی "استفاده از عقل و درایت" است. اما امروزه، در حالی که هنوز عقل و درایت اساسی است، اما اعمال یک قضاوت خوب به طور یکنواخت در یک محیط کسب و کاری که پیوسته در حال افزایش پیچیدگی و پویایی، عدم اطمینان و فشار بالا است، مستلزم یک فرایند منظم است. این فرایند متأثر از عواملی است که از آن جمله می‌توان عوامل محیط کار حسابرسی، ویژگی‌های حسابرس، شواهد، فرایند تصمیم‌گیری و ویژگی‌های شخصیتی حسابرس را نام برد. در چنین محیطی، هم کارایی و هم اثربخشی مورد توجه است و مهم است که افراد حرفه‌ای نه تنها بدانند در فرایند قضاوت چگونه درگیر شوند، بلکه بدانند که در چه موقعیت‌هایی اسیر دام‌های قضاوت و سوگیری می‌شوند [۷]. از این رو باید دام‌ها و سوگیری‌های متداولی را مورد توجه قرار داد که می‌تواند قضاوت‌های حرفه‌ای را تحت تاثیر قرار دهند.

دسته‌ای از این سوگیری‌ها، سوگیری‌های شناختی^۱ است. سوگیری شناختی به گرایش افراد برای ارتکاب سیستماتیک خطاهای قضاوتی در زمان تصمیم‌گیری اشاره دارد. خطاهای قضاوتی، اغلب نتیجه رفتارهای مکاشفه‌ی ذهنی یا میانبرهای پردازش اطلاعات

¹-Cognitive Biases

است که در فرآیند تصمیم‌گیری بشری جای گرفته اند. حساب‌رسان باید نگران نحوه تأثیر سوگیری‌های شناختی بر سطوح مختلف تصمیم در فرآیند حساب‌رسانی باشند. ده‌ها نوع از سوگیری‌های شناختی توسط روانشناسان شناسایی و دسته‌بندی گردیده است که برخی از آنها در محاورات روزانه نیز استفاده می‌شود. لکن در حساب‌رسانی برخی از آنها اهمیت بیشتری می‌یابد. در ادامه‌ی این مقاله بر سوگیری‌های شناختی تأکید و برخی از آنها که منجر به سوگیری در قضاوت حساب‌رسانی می‌شوند، مورد بحث قرار می‌گیرد.

سوگیری‌های شناختی: تعریف

سوگیری‌های شناختی اولین بار توسط روانشناس مشهور دانیل کانمن^۲ در سال ۱۹۷۲ و همکارش آموس تی ورسکی^۳ مطرح شد. آنها عنوان کردند که بشر از رویکرد کاوش شناختی استفاده می‌کند، به گونه‌ای که پیچیدگی قضاوت‌های احتمالی را کاهش دهد. به طور کلی این مکاشفه‌ها مفیدند اما گاهی منجر به خطاهای سیستماتیک و شدید می‌شوند [۱۰]. آنها دیدگاه خود از این کاوش و سوگیری را به این طریق بیان می‌کنند: در تصمیم‌گیری و قضاوت تحت شرایط عدم اطمینان، به نظر نمی‌رسد که افراد محاسبه‌ی شانس یا تئوری آماری پیش‌بینی را دنبال کنند. به جای آن، آنها به شمار محدودی از اکتشافات خود بر مبنای تجربه اتکا می‌کنند که گاهی قضاوت‌های معقولی را نتیجه می‌دهند و گاهی اوقات منجر به خطاهای منظم و شدید می‌شوند [۹].

خطاهای قضاوتی، اغلب نتیجه رفتارهای مکاشفه‌ی ذهنی^۴ یا میانبرهای پردازش اطلاعات است که در فرآیند تصمیم‌گیری بشری جای گرفته اند. در اینجا مقصود از مکاشفه‌ی ذهنی، "عقلانیت محدود" است که مد نظر سایمون (۱۹۷۵) است. وی عنوان کرد که به دلیل محدودیت‌های شناختی، بشر اختیار کمی برای ساخت مدل‌های ساده

^۲-Daniel Kahneman

^۳- Amos Tversky

^۴-heuristic behaviors

شده‌ی دنیا دارد. مکاشفه‌های ذهنی، محصول این مدل‌های ساده شده هستند و میان‌برهایی را فراهم می‌سازند که می‌توانند مبنای تصمیم‌گیری باشند [۸].

سوگیری‌های شناختی ممکن است باعث خطا در قضاوت‌های حرفه‌ای در هر موقعیت تصمیم‌گیری شوند، به خصوص در ساختارهای پیچیده و تحت فشار، از جمله زمانی که حسابرسان، حسابرسی مستقل انجام می‌دهند. مطالعات روانشناختی به وفور به این نتیجه رسیده‌اند که سوگیری‌های شناختی اغلب در تصمیمات حسابرسان تأثیرگذار است.

موارد متعددی وجود دارد که منافع اقتصادی، قضاوت‌های حسابرسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ولی باید دقت کرد که اصرار بیش از حد برای خشنود ساختن یک صاحبکار به عنوان یک سوگیری شناختی مطرح نمی‌باشد، هرچند نشانه‌ای از نقض استقلال حسابرس است [۶].

در ادامه برخی سوگیری‌های شناختی مربوط به حسابرسان مستقل بیان می‌شود که به نظر می‌رسد بیشترین تأثیر را روی خطاهای سیستماتیک قضاوت در کارهای حسابرسی دارند.

حسابرسان و سوگیری‌های شناختی

سوگیری‌های شناختی به طرق مختلف روی حسابرسان مستقل تأثیرگذار است. نخست، حسابرسان مسئولیت اصلی ارزیابی گسترده‌ی وسیعی از تصمیماتی را دارند که توسط سایر افراد اخذ می‌شود، تصمیماتی که اغلب آن‌ها به یقین متأثر از سوگیری‌های شناختی است. دوم، حسابرسان باید نگران نحوه تأثیر سوگیری‌های شناختی بر سطوح مختلف تصمیم در فرآیند حسابرسی باشند. کارمندان، حسابداران، حسابرسان، مدیر حسابرسی، شریک مسئول حسابرسی و شریک تایید کننده، احتمالاً در معرض سوگیری‌های خاص خود در تصمیمات متعدد اخذ شده در فرآیند حسابرسی هستند. در واقع افرادی که قضاوت آن‌ها بیشترین ارتباط را با حسابرسان دارد، شامل مدیران و حسابداران صاحبکار، ممکن است از انواع سوگیری‌های شناختی که قضاوت حسابرسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند آگاه باشند. این افراد ممکن است از این اطلاع و آگاهی در جهت

انتخاب سوگیری‌های مؤثر و دستکاری فرآیند تصمیم‌گیری حسابرسان استفاده کنند. به عبارت دیگر، حسابرسان را درگیر سوگیری‌های ناخواسته سازند. سوم، سوگیری شناختی می‌تواند بر فرآیند تصمیم‌گیری شخص ثالث که با اتکا به کیفیت حسابرسی گرفته شده است، نیز تأثیرگذار باشد [۶].

سوگیری تایید

سوگیری تایید^۵، تمایل تصمیم‌گیران به جستجو و وزن دهی بیشتر به اطلاعاتی است که مطابق با باورهای اولیه یا ترجیحات آنها باشد [۲]. در روان‌شناسی این بحث مطرح است که افراد تمایل دارند دنبال شواهد راحت‌تری باشند تا اینکه در جستجوی چیزی ناسازگار با اظهار نظرشان یا ترجیحاتشان باشد. با یافتن این شواهد آنها مطمئن می‌شوند که شواهد کافی برای پشتیبانی از باورشان در اختیار دارند [۷].

در حسابرسی، به هنگام بررسی ادعای مدیریت در ارتباط با یک مانده حساب یا سایر اقلام صورت‌های مالی، حسابرسان یک فرضیه ذهنی مطرح می‌کنند مبنی بر اینکه آیا این ادعا با توجه به آستانه‌ی اهمیت، درست است. حسابرسان اغلب آزمون‌های خود را با فرض معتبر بودن ادعای مذکور شروع می‌کنند. این فرض ممکن است منجر به سوگیری تأیید در برخی حسابرسان گردد. تحقیقات نشان داده است که تصمیم‌گیران تمایل دارند شواهدی را در تأیید و نه در جهت رد انتظاراتشان جستجو کنند. این سوگیری از طریق علاقه‌ی حسابرسان برای پذیرش اظهارات پشتیبان یک ادعای مدیریت آشکار می‌شود، در حالی که شواهد قوی‌تری را که حاکی از بی‌اعتباری ادعای مدیریت باشد، رد می‌کنند [۳].

در زمینه بکارگیری روش‌های تحلیلی در حسابرسی، حسابرسان ممکن است ترجیح دهند هیچ اختلاف معناداری بین انتظار و ارزش ثبت شده‌ی مدیریت بدست نیاورند زیرا این بدین معنی است که کار حسابرسی بیشتری در این مرحله نیاز نیست [۷].

مرور کلی گزارش‌های کمیسیون بورس اوراق بهادار امریکا بیانگر موارد متعددی است که حسابرسان آشکارا در دام سوگیری تأیید افتاده‌اند. به عنوان مثال در حسابرسی شرکت

⁵ - Confirmation Bias

سرجیکال^۶ - تولید کننده تجهیزات پزشکی - تیم حسابرسی به شواهد قابل ملاحظه‌ای دست یافت که نشان می‌داد شرکت، هزینه‌های تولید روزمره را سرمایه‌ای می‌کند. علیرغم شواهد مذکور، حسابرسان ترجیح دادند اظهارات مدیران سطوح میانی و بالایی شرکت مبنی بر سرمایه‌ای بودن ماهیت هزینه‌های مورد تردید را بپذیرند. در واقع مدیران مدعی بودند این هزینه‌ها، هزینه‌های تولید نیستند بلکه مخارج متحمل شده برای نوسامانی تجهیزات هستند که به حساب دارایی‌های بلند مدت قابل منظور هستند. اما واقعیت این بود که مبالغ سرمایه‌ای شده، هزینه‌هایی بودند که مدیران برای بالا بردن نتایج عملیات شرکت معوق کرده بودند [۶].

سوگیری دسترسی پذیری^۷

کانمن و تی ورسکی (۱۹۷۳) دریافتند که تصمیم‌گیران تمایل دارند احتمال یک رخداد را بر اساس میزان دسترسی پذیری نمونه‌ای از آن رخداد در ذهن پیش بینی کنند، یعنی اینکه آیا چنین رویدادی واقعاً در ذهن یک نفر قابل دسترس است یا نه. دسترسی پذیری تحت تاثیر تصورپذیری، آشنائیت، و روشن پذیری است و از طریق شواهدی همچون تفکر سناریو پشتیبانی می‌شود [۵].

به عبارت دیگر، اطلاعاتی که برای حافظه فرد در دسترس تر هستند ممکن است به طور افراط آمیزی برآوردها، ارزیابی احتمالات و سایر قضاوت‌های حرفه‌ای را تحت تاثیر قرار دهد [۷]. به طور نمونه اگر از افراد پرسیده شود که مرگ و میر ناشی از تصادفات جاده‌ای بیشتر است یا دخانیات، اکثر افراد به تصادفات اشاره می‌کنند. زیرا وقتی یک تصادف جاده‌ای رخ می‌دهد، رسانه‌ها به طور باور نکردنی آن را انعکاس می‌دهند و این موجب ایجاد یک تصور در ذهن فرد خواهد شد. بنابراین پاسخ به سوال را به آخرین سناریوی ثبت شده در ذهن خودارجاع می‌دهد. این در حالی است که واقعیت، دخانیات است.

^۶-United State Surgical corporation

^۷-Availability Bias

در دنیای کسب و کار هم همین است. سوگیری در دسترس پذیری می تواند بر روی تصمیم تجاری اثر گذارد. مثلاً نماینده خرید، یک فروشنده خاص را انتخاب می کند، به این دلیل که نام شرکت آشنا است. نام شرکت با این باور در آمیخته است که فروشنده بزرگتر و بهتر از بقیه است؛ در حالی که ممکن است چنین نباشد [۷].

این سوگیری ممکن است تردید حرفه‌ای را که باید توسط حساب‌برسان در طی هر کار حسابرسی اعمال گردد، کاهش دهد و سبب پایین آمدن احتمال کشف ترفندهای تقلب صاحبکار شود.

به دلیل اینکه تقلب صاحبکاران از رویدادهای نادر می باشد بنابراین اکثر حساب‌برسان تصویر روشنی از طرح تقلب در ذهن خود ندارند. به عبارتی دیگر تصویر ذهنی حساب‌برسان از یک صاحبکار عادی، یک سازمان درستکاری است که صورت‌های مالی منصفانه‌ای را تهیه می کند [۶].

لیبی (۱۹۸۵) این نوع سوگیری را مورد مطالعه قرارداد. در مطالعه ایشان از حساب‌برسان حرفه‌ای خواسته شده بود که فرضیه‌هایی را مطرح سازند که ممکن است خطاهای بااهمیت صورت‌های مالی را مد نظر قرار دهند. همچنین از آنها درباره‌ی فراوانی و تازگی تجربه‌ی شان با انواع مختلف خطاها سوال شده بود. نتایج آنها نشان داد که فراوانی خطاهای کشف شده نقش عمده‌ای بر دسترسی پذیری فرض‌های خطا در بررسی‌های تحلیلی ایفا می کند. داده‌های آنها همچنین حکایت از رابطه‌ی مثبت بین تازگی تجربه و ایجاد این فرض‌ها داشت [۸].

در اوایل دهه ۱۹۸۰، موسسه کریزی ادی^۸ - فروشنده لوازم الکترونیک در نیویورک - عمدتاً به دلیل بنیان گذار معروف خود ادی انتار^۹، ستاره وال استریت بود. رشد سریع درآمد و سود شرکت حاصل طرح‌های تقلب شرکت بود که از چشم جامعه سرمایه‌گذاری پوشیده بود. به دلیل اینکه بیشتر حساب‌برسان این شرکت در طی تجربه حرفه‌ای خود هرگز با چنان تقلب گسترده‌ای مواجه نشده بودند، بنابراین به احتمال زیاد هیچ تصویری از آن در

^۸-Crazy Eddie Inc.

^۹-Eddie Antar

ذهن خود نداشتند. اگرچه در طی چند دهه گذشته، تقلب‌های حسابداری که شرکت‌های بزرگی در آن درگیر بوده اند فراوانی زیادی یافته است ولی هنوز هم ترفندهایی وجود دارند که به طور نسبی غیر رایج اند [۶].

البته داشتن تجربه، خود تاکید بر بلوغ قضاوت است. یک نتیجه تجربه حسابرسی این است که حسابرسان دارای ساختار حافظه پیچیده و گسترده هستند که به آنها به عنوان یک منبع اطلاعاتی در تصمیم‌گیری کمک می‌کند. تجربه با استفاده از یادآوری اطلاعات به حسابرسان کمک می‌کند تا قضاوت دقیق‌تری انجام دهند. ساختار دانش یک حسابرس باتجربه، او را قادر می‌سازد تا راهنما و سرنخ‌های اطلاعاتی خاصی را که می‌بایست انتخاب شوند و در قضاوت به طور مناسب تاثیر داشته باشند، شناسایی کند. خواجوی و نوشادی (۱۳۸۸) با اتکا به این فرضیه، به تفاوت معناداری در تصمیم‌گیری افراد باتجربه و کم تجربه در مورد ارزیابی تداوم فعالیت دست یافتند [۱].

سوگیری دسترستی پذیری ممکن است انتخاب روش حسابداری را نیز تحت تاثیر قرار دهد. مثلاً حسابرس ممکن است تمایل داشته باشد که از رویکرد مورد استفاده در سال قبل یا در کار اخیر خود استفاده کند حتی اگر این روش برای کار فعلی، بهترین نباشد [۷].

سوگیری مشابهت

انواع مختلف سوگیری‌های شناختی که توسط محققان روانشناسی مشخص گردیده است باهم در ارتباط می‌باشند یا همپوشانی دارند. این موضوع در رابطه با سوگیری دسترستی پذیری و سوگیری مشابهت^{۱۰} نیز صادق است. برای ساده سازی و تسریع در تصمیم‌های مرتبط با موضوعات مشابه، افراد تمایل دارند راه‌های مشابهی را انتخاب کنند که در گذشته برای رخدادهای مشابه استفاده کرده اند. برای مثال در زمان به‌روزرسانی فایل‌های پرونده دائمی، حسابرسان در می‌یابند که تغییرات سالانه خیلی کم – اگر وجود داشته باشد – در رویه‌های حسابداری وجود دارد. بنابراین حسابرسان ممکن است در دام احساس غلط خودرضامندی یا به بیان بهتر بی‌خیالی گرفتار شوند که موجب

¹⁰-Familiarity Bias

می‌شود آنها به سرعت برای همه ی موارد مشابه گذشته، همان نتیجه گیری مشابه سال قبل را نمایند.

یک نمونه از این سوگیری شاید در حساب‌رسان شرکت هپینز اکسپرس^{۱۱} وجود داشته است. سوگیری مشابهت موجب تصمیم‌گیری نادرست حساب‌رسان در رابطه با عدم تغییر عمده در روش فروش اعتباری صاحبکار گردید. در گذشته، عمده فروش‌های اعتباری شرکت توسط بخش مالی آن پیش تایید می‌شد، واقعیتی که در کاربرگ‌های حسابرسی سال‌های قبل مستند شده بود ولی در سال مورد رسیدگی، روش مزبور دیگر اعمال نمی‌شد. تغییر در ماهیت اغلب فروش‌های اعتباری بیانگر این بود که ریسک نقدشوندگی مبالغ عمده‌ای از حساب‌های دریافتی پایان سال نسبت به سال قبل افزایش یافته است. عامل ریسک مزبور بیشترین سهم را در شکست حساب‌رسان برای کشف متورم بودن خالص ارزش بازیافتی حساب‌های دریافتی داشت [۶].

سوگیری تکیه گاهی و تعدیل^{۱۲}

منظور از تکیه گاه و تعدیل، شروع از یک ارزش اولیه و تعدیل برای دستیابی به پاسخ نهایی است. ارزش اولیه، یا نقطه شروع، ممکن است از طریق فرموله سازی مسئله پیشنهاد شود یا ممکن است نتیجه‌ی یک محاسبه باشد. در هر دو صورت، تعدیل معمولاً ناکافی است [۱۰].

وقتی حساب‌رس یک حساب را رسیدگی می‌کند، به طور صریح یا ضمنی، یک انتظار یا لنگر ذهنی نسبت به ارزش ریالی صحیح آن حساب به وجود می‌آورد. به تناسب کسب شواهدی در مورد دقت ادعای ارزشیابی آن حساب، حساب‌رس مانده مورد انتظار را تعدیل خواهد کرد. تحقیقات روانشناسی نشان داده است تعدیلاتی که توسط یک تصمیم‌گیرنده نسبت به انتظار یا تکیه گاه اولیه، ایجاد می‌شود ناکافی است. به عبارت دیگر، تصمیم‌گیران

^{۱۱}-Happiness Express

^{۱۲}-Anchoring and Adjustment Bias

تمایل دارند که طوری بر برآورد یا انتظار اولیه خودشان تکیه کنند که در کل فرایند کسب و گردآوری شواهد با آن پیش بروند[۶].

به نظر می‌رسد حساب‌برسان به سوگیری تکیه گاهی و تعدیل گرفتار هستند، بویژه در مواقعی که برآوردهای حسابداری - از جمله ارزشیابی حساب‌های دریافتی، موجودی‌ها و پرتفوی سرمایه گذاری - را حسابرسی می‌کنند. در این موارد حساب‌برسان اغلب تمایل به تکیه به برآوردهای شرکت در قبل از حسابرسی این حساب‌ها دارند.

به عنوان مثال، کمیسیون بورس اوراق بهادار امریکا از حساب‌برسان شرکت جاست فور فیت^{۱۳} - فروشنده کفش ورزشی - به دلیل ناتوانی در قانع کردن صاحبکار برای افزایش ذخیره موجودی‌ها انتقاد کرد. این ناتوانی در شرایطی بود که شواهدی مبنی بر کم نمای برآورد ذخیره کاهش ارزش موجودی‌ها وجود داشت. حساب‌برسان در ابتدا تعدیل حساب ذخیره کاهش ارزش موجودی‌ها را پیشنهاد کردند اما در نهایت منصرف شده و تصمیم گرفتند که مانده حساب قبل از حسابرسی را بپذیرند. در واقع صاحبکار عامدانه و به میزان بااهمیتی حساب ذخیره را کم تر از واقع ارایه کرده بود[۶].

جویس و بیدل(۱۹۸۱) در تحقیقی اثرات تکیه گاه و تعدیل را بر نتیجه گیری‌های احتمالی (وابسته به احتمالات) در قضاوت حسابرسی بررسی کردند. آنها شش تجربه را اجرا کردند که حدود اثرات آنها بر مشارکت قضاوت‌های حساب‌برسان را تعیین کردند. این دو محقق به این نتیجه رسیدند که گاهی اوقات حسابرس قضاوت‌هایی را انجام می‌دهد که در تناقض با اصول هنجاری تصمیم‌گیری است، اما این تناقضات نمی‌تواند همیشه به سبب مکاشفه‌ی تکیه گاهی و تعدیل باشد[۴].

سوگیری عدم اطمینان گریزی^{۱۴}

عدم اطمینان قابل ملاحظه در سناریوهای تصمیم‌گیری باعث می‌شود که اغلب افراد حتی اگر دچار استرس هم نشوند، احساس عدم راحتی داشته باشند. انتخاب یک راه حل

^{۱۳}-Just For Feet Inc.

^{۱۴}-Uncertainty Aversion

تصمیم‌گیری که نتیجه‌ی روشن و دقیقی ندارد می‌تواند باعث تقویت استرس شود. برای حذف استرس حاصل از عدم اطمینان، افراد تمایل دارند که تصمیم‌گیری خود را با سرعت انجام داده و راه حل‌هایی را انتخاب کنند که نتیجه‌ی روشنی دارد. بی‌شک، این عادت، چنان تصمیمات شتاب زده‌ای از نوع "پایان آنی" می‌باشد که اغلب نتایج نامطلوبی خواهند داشت.

یک نمونه از سوگیری فرار از عدم اطمینان را می‌توان در مورد شرکت اوراق بهادار دولتی ای.اس.ام.^{۱۵} یافت. تقلبی نادر، که در آن شریک کار حسابرسی به عنوان یک عضو فعال در قلب حسابداری صاحبکار نقش داشت. این موضوع منجر به حکم حبس برای آن شریک شد. طرح تقلب در محدوده یک سری از معاملات پیچیده ابزارهای مالی مشتقه صورت گرفته بود که شرکت از آن‌ها برای تحریف شرایط مالی گزارش شده خود استفاده می‌کرد. شریک مرور کننده حسابرسی، معاملات مذکور را بررسی کرد ولی درک معاملات بسیار دشوار بود. در برخی مواقع، شریک مرور کننده، ناامیدانه به شریک کار حسابرسی مراجعه کرد و گفت: "من این را درک نمی‌کنم، بنابراین لطفاً به من بگو که این درست است و من امضا خواهم کرد". البته شریک کار حسابرسی هم تأیید کرد که معاملات مذکور به نحو صحیحی ثبت گردیده‌اند و شریک مرور کننده نیز، آن معاملات را تأیید کرد. اگرچه این تصمیم، استرس حاصل از عدم اطمینان را برای شریک مرور کننده حذف کرد ولی در نهایت در سال‌های بعد ضربه سنگینی به او و مؤسسه اش وارد کرد [۶].

سوگیری چارچوب بندی^{۱۶}

اغلب سؤالات در راستای انتخاب پاسخ‌هایی که در دستور کار سؤال کننده وجود دارد چارچوب بندی می‌شوند. یک مثال کلیشه‌ای برای این سوگیری، نحوه سؤال پرسیدن دادستان از متهمی است که در برابر آسیب رساندن به فردی مورد اتهام قرار گرفته است.

¹⁵-ESM Government Securities Inc.

¹⁶-Framing Bias

دادستان به جای اینکه پرسد آیا او این جرم را مرتکب شده است یا نه؟، سؤالش را به این شکل چارچوب بندی می کند: " آقای متهم، شما چه زمانی از کتک زدن مضروب دست کشیدید؟ ". اثر چارچوب بندی در مبارزات سیاسی نیز مشاهد می شود. یافته های محققان حاکی از آن است که نحوه پرسش سؤال، اغلب از خود سؤال مهم تر است. بی شک شهروندان ممکن است به گونه ای فریب بخورند و پاسخ هایی ارائه دهند که به نظر در حمایت از کاندیدای خاصی است یا تفسیر به مخالفت با کاندیدای خاصی شود.

به دلیل اینکه مدیران و کارکنان صاحبکار، اغلب فهم کافی از نقش و اهداف یک حسابرس مستقل دارند، ممکن است شواهد فراهم شده برای حسابرسان را به گونه ای چارچوب بندی کنند که به نتیجه ی مورد نظر خود از حسابرسی برسند. مورد شرکت نورث فیس^{۱۷} نمونه ای برای این نوع سوگیری است. مدیریت شرکت در روزهای پایانی سال مالی برای بهبود نتایج عملکرد شرکت، معاملات تهاتری تقلبی را با برخی مشتریان منتخب شکل داد. چون مدیران با آستانه اهمیت حسابرسان شرکت آشنا بودند، می توانستند معاملات مشکوک را به نحوی سازمان دهی کنند که حسابرسان به آن ها اعتراض کنند ولی در نهایت در قالب تعدیلات حسابرسی، آن معاملات را قبول کنند [۶].

سوگیری هاله ای^{۱۸}

اغلب این تمایل فطری در تصمیم گیرندگان وجود دارد که به هنگام ارزیابی ویژگی خاصی از یک فرد، اجازه می دهند که ویژگی های دیگر آن فرد، مؤثر بر ارزیابی شان باشد. تحقیقات نشان می دهد که قضاوت فرد از جذابیت یک شخص، بر ارزیابی در مورد هوش آن شخص اثرگذار است.

برای حسابرسان، صلاحیت حرفه ای مدیران صاحبکار از ویژگی های چشمگیر می باشد. چون تصویر کلیشه ای از مدیر یک شرکت، فردی است که حداقل در یک زمینه خاص دارای صلاحیت حرفه ای می باشد به همین دلیل ویژگی مذکور، ارزیابی حسابرسان از سایر

¹⁷-The North Face

¹⁸-Halo Bias

ویژگی‌های مدیران شامل درستکاری ایشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این سوگیری بیانگر پذیرش اظهارات مدیران توسط حسابرسان می‌باشد. موارد زیادی از اثر هاله‌ای در حسابرسی وجود دارد. به عنوان مثال مورد شرکت گلدن گلف^{۱۹} - شرکت سهامی عام که توسط جک نیکلاس^{۲۰} تأسیس گردید؛ رسانه‌ها، سرمایه‌گذاران و سایر افراد در سطح وسیعی تصور می‌کردند که شرکت بسیار موفق است زیرا نیکلاس برای ده‌ها سال یک فرد مشهور در ورزش بود. ولی در واقع این اثر هاله‌ای، نادرست بود. بعد از مدت کوتاهی شرکت مذکور و حسابرسان آن تحت بازرسی کمیسیون بورس اوراق بهادار امریکا قرار گرفتند. این کمیسیون دریافت که دو نفر از زیردستان نیکلاس درآمدها و سودهای شرکت را با استفاده‌ی ناصحیح از روش درصد تکمیل، متورم کرده‌اند. کمیسیون همچنین نتیجه گرفت که حسابرسان شرکت در زمان حسابرسی، بیش از حد اعتدال به اظهارات شفاهی مدیران اتکا کرده‌اند. در ارتباط با اثر هاله‌ای می‌توان به تمایل حسابرسان برای اتکا بر اظهارات همکار سابق خود نیز اشاره کرد. همکاری که در حال حاضر در یکی از پست‌های کلیدی مدیریت صاحبکار است. ولی این دلیل که همکار سابق ایشان، یک حسابرس درستکار بود نباید بدین معنی باشد که اظهارات او به عنوان شواهد قطعی حسابرسی تلقی شود [۶].

سوگیری اجماع غلط^{۲۱}

تحقیقات روانشناسی نشان می‌دهد تصمیم‌گیران تمایل به تخمین بیش از واقع موضوعی دارند که دیگران با آن موافق هستند. این سوگیری اغلب در ساختارهای کارکنان افزایش یافته است؛ بدین صورت که زیردستان از روش‌های "مدیریت احساسی" برای تملق نزد سرپرستان بهره می‌گیرند. کمک حسابرسان نیز ممکن است به سرعت با دیدگاه سرپرستان خود موافقت کنند تا امتیازات بیشتری کسب کنند. اغلب، اختلاف زیاد در تجربه و

¹⁹-Golden Bear Golf Inc.

²⁰-Jack Nicklaus

²¹-False Consensus Bias

تخصص افرادی که در یک کار حسابرسی به عنوان تیم فعالیت می کنند، باعث بی میلی کمک حسابرسان برای بحث در مورد تصمیمات سرپرستان می گردد.

یک مدیر حسابرسی که در تیم حسابرسی فلایت ترنسپورتیشن^{۲۲} فعالیت می کرد توسط کمیسیون بورس اوراق بهادار امریکا به دلیل عدم پافشاری بر نظر صحیح خود - زمانی که مباحثه ای در رابطه با موضوع شناخت درآمد بین او و شریک مؤسسه حسابرسی مطرح شده بود - مورد پیگرد قرار گرفت. در ابتدا مدیر حسابرسی نتیجه گرفته بود که شرکت هواپیمایی چارتر نباید مجاز به ثبت میلیون ها دلار از درآمد مشکوک شود. درآمد هایی که بعد از انتشار گزارش حسابرسی، مشخص گردید که تقلب آمیز بودند. بعد از بحث با شریک حسابرسی، مدیر مذکور ذهنیت خود را تغییر داد و از تصمیم شریک مؤسسه برای تأیید شناخت درآمد صاحبکار حمایت کرد.

مدتی بعد، مدیر حسابرسی به یکی از بازرسان کمیسیون بورس اوراق بهادار اعتراف کرد که او هرگز معتقد به شناخت درآمدهای مذکور نبود. ولی مجبور بود با دیدگاه شریک مؤسسه موافقت کند چون تصمیم نهایی را شریک می گرفت و همچنین او در ارتباط با به خطر افتادن موقعیت شغلی خود نیز نگران بود. به حکم کمیسیون بورس اوراق بهادار، شریک و مدیر مؤسسه حسابرسی از انجام فعالیت های حرفه ای تعلیق شدند. حکم تعلیق برای شریک حسابرسی پنج سال و برای مدیر حسابرسی، یک سال بود [۶].

سایر سوگیری های شناختی مؤثر بر حسابرسان

سوگیری های شناختی متعددی توسط محققان روانشناسی شناسایی شده، که ممکن است در تصمیم های حسابرسان تأثیرگذار باشد. به عنوان مثال، اگر در تصمیم گیری افراد عوامل پارازیتی (مزاحم) وجود داشته باشد کیفیت قضاوت های آنها کاهش می یابد. وجود میزان بااهمیتی از اطلاعات غیرقابل تشخیص (افزونگی اطلاعات) باعث سردرگمی تصمیم گیرندگان و کاهش کیفیت قضاوت ایشان می گردد.

²²-Flight Transportation Corp.

در زمینه حسابرسی، در حسابرسی‌های نخستین وقتی حسابرسان مجبورند حجم وسیعی از اطلاعات را برای درک کافی از فعالیت‌های صاحبکار، سیستم حسابداری و کنترل‌های داخلی آن کسب کنند، سوگیری رقیق سازی تأثیرگذار خواهد بود.

در حسابرسی‌های نخستین، بعضی از اطلاعاتی که حسابرسان کسب می‌کنند فقط در حد کمی به هدف شناخت محیط صاحبکار مربوط می‌شود. افزونگی اطلاعات باعث کاهش کیفیت حسابرسی‌های نخستین می‌گردد. مدیران شرکت‌هایی که موضوعی برای پنهان سازی دارند می‌توانند با تغییر مداوم حسابرسان از مزایای منحنی یادگیری در حسابرسی‌های نخستین بهره‌گیرند.

در بسیاری از زمینه‌های تصمیم‌گیری، سوگیری‌های چندگانه می‌تواند روی قضاوت افراد مؤثر باشد. محققان به وفور دریافته‌اند که ترتیب جمع‌آوری شواهد، در اولویت تخصیصی به آن شواهد از طرف تصمیم‌گیران تأثیرگذار است. در بسیاری از زمینه‌های تصمیم‌گیری، اثر تأخر، اثر غالب می‌باشد؛ یعنی آخرین شواهد جمع‌آوری شده تأثیر زیاد و نامناسبی را در قضاوت تصمیم‌گیرندگان ایجاد می‌کند.

در پایان، یکی دیگر از مهمترین سوگیری‌های شناختی، سوگیری پیامد^{۲۳} می‌باشد. این سوگیری، اشخاص ثالث را تشویق می‌کند تا به جای ارزیابی کیفیت یک تصمیم بر مبنای دقت در فرایند تصمیم‌گیری، بر مبنای پیامد نهایی تصمیم، آن را ارزیابی کنند. این سوگیری اغلب سبب مواجه شدن حسابرسان با حجم عظیمی از انتقادات اشخاص ثالث می‌شود. اگر در ارتباط با گزارش مقبول حسابرسان ثابت شود که این اظهار نظر اشتباه بوده است به قضاوت حسابرسان هجوم می‌برند. این انتقادات، اغلب شامل ادعاهایی است که با توجه به مشکلات موجود در صورت‌های مالی شرکت‌ها، طبیعتاً باید برای حسابرسان آشکار می‌بود[۶].

تکنیک‌های ضد سوگیری

²³-outcome bias

در چهار دهه گذشته، روانشناسی شناختی عمدتاً روی شناخت و مستند سازی سوگیری‌های شناختی تمرکز کرده است. هدف بعدی این رشته، توسعه و آزمون تکنیک‌های ضد سوگیری است. در ادامه برخی از مهمترین این تکنیک‌ها بیان می‌شود.

(۱) **راهبرد تفکر انتقادی**^{۲۴} - تفکر انتقادی شامل یک فرآیند آگاهانه و چندباره‌ی اندیشیدن، ارزیابی و چالش اندازی تصمیمات و فرآیندهای تصمیم‌گیری یک فرد توسط خودش در راستای بهبود هریک از این فرایندها است. این روش "اندیشیدن درباره اندیشه" اگر به درستی عملی شود می‌تواند به افراد در شناخت سوگیری‌های شناختی مؤثر بر تصمیماتشان و سپس انتخاب معیار خاصی که برای حذف یا کنترل آن سوگیری مفید باشد، کمک کند.

(۲) **ابزارهای کمک تصمیم‌ساختارمند**^{۲۵} - تحقیقات دانشگاهی نشان می‌دهد که این نوع ابزارها می‌تواند باعث کاهش اثرات سوگیری‌های شناختی در قضاوت‌های افراد شود. به عنوان مثال استفاده از چک لیست‌های جامع حسابرسی، احتمال اینکه تغییرات مهم در رویه‌های فرآیندی و کلیدی شرکت توسط حسابرسان را که به دلیل سوگیری مشابهت نادیده گرفته شود، کاهش دهد.

(۳) **خوآموزه‌های کوتاه**^{۲۶} که تأثیر سوگیری‌های شناختی در یک زمینه خاص تصمیم‌گیری را نشان می‌دهند در کاهش اثرات سوگیری بر قضاوت‌های بشری مؤثر می‌باشند. چنین خودآموزهایی به خصوص در ارتباط با کاهش سوگیری در دسترس بودن، بهره‌وری بیشتری دارند. به عنوان مثال اگرچه حساب موجودی یک طعمه‌ی معمول توسط متقلبان است ولی اکثر حسابرسان به نادرست‌نمایی متقلبان‌های این حساب پی نمی‌برند. یک خودآموز قبل از حسابرسی که به حسابرسان روش‌های رایج متورم کردن موجودی‌ها توسط صاحبکاران متقلب را بیان کند می‌تواند آن‌ها را در شناسایی شرایط احتمال تحریف عامدانه‌ی موجودی‌ها محتاط‌تر و هوشمندتر سازد.

²⁴-critical-thinking strategy

²⁵-structured decision aids

²⁶-Brief tutorials

(۴) **تجزیه مسئله** - کشف سوگیری‌های شناختی در فرآیندهای تصمیم‌گیری بسیار دشوار است، ولی زمانی که فعالیت‌ها دارای جنبه‌های مختلف باشند، تبدیل فعالیت‌های بزرگ به مجموعه‌ای از فعالیت‌های کوچکتر شفافیت فرآیند تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد و احتمال کشف سوگیری‌های شناختی موجود در آن فرآیند را بیشتر می‌کند. در زمینه حسابرسی، این هدف با بسط دادن یک برنامه حسابرسی بدون شامل شمار زیادی از رویه‌های حسابرسی، می‌باشد. البته اگر حسابرسان در تکمیل وظایف خود دچار شکست شوند، اثربخشی کاهندگی سوگیری‌ها بوسیله برنامه حسابرسی تنزل می‌یابد. در رسوایی جاست فور فیت، مدیریت، حسابرسان را در پذیرش کم‌نمایی برآورد ذخیره کاهش ارزش موجودی‌ها تحریک کرد. در این مورد، شکست حسابرسان در تکمیل صحیح رویه‌های حسابرسی برای آن حساب، سهم بسزایی در قضاوت ضعیف ایشان داشت. به عنوان مثال، حسابرسان همه گروه‌های موجودی شرکت را برای برآورد مانده پایان دوره ذخیره کاهش ارزش، بررسی نکردند.

(۵) **توضیحات چندگانه** - تحقیقات دانشگاهی نشان داده است که هرگاه تصمیم‌گیران ملزم به ارائه توضیحات چندگانه در ارتباط با علت و دلایل ریشه‌ای یک مسئله شوند، آنگاه کیفیت تصمیمات حل مسئله بهبود می‌یابد. این تکنیک ضد سوگیری به خصوص در کمینه‌سازی سوگیری تأیید می‌تواند مفید باشد. به عنوان مثال، الزام حسابرسان برای توضیح‌های جایگزین در مورد یک نوسان غیرعادی در یک حساب، که در تقابل با توضیح ارائه شده توسط صاحبکار است احتمال سوگیری تأیید را کاهش می‌دهد و منتج به تأثیر در نتیجه حسابرسی نهایی می‌شود.

(۶) **تهیج حس مسئولیت پذیری** - آخرین تکنیک ضد سوگیری که در زمینه حسابرسی می‌تواند مفید باشد تأکید این موضوع به تیم حسابرسی است که قضاوت آنها اثرات مهمی بر تصمیم اشخاص ثالث نظیر اعتباردهندگان خواهد داشت. این روش می‌تواند حس مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی آنها را افزایش دهد، و در نتیجه باعث افزایش تعهد ایشان و کاهش اثر سوگیری‌های شناختی بر تصمیماتشان شود. روش مزبور به

خصوص در کاهش سوگیری‌های شناختی مرتبط با حسابرسی‌های با ریسک بالا می‌تواند مفید باشد [۶].

نتیجه گیری

قضاوت زیر مجموعه‌ای از فرایند تصمیم‌گیری است که در وضعیت ابهام و ریسک رخ می‌دهد. اعمال یک قضاوت خوب علاوه بر عقل و درایت مستلزم یک فرایند منظم است. این فرایند متأثر از سوگیری‌های شناختی است. سوگیری‌های شناختی می‌تواند در فرآیند تصمیم‌گیری همه حسابرسان تأثیر منفی بگذارد. آگاه بودن از انواع سوگیری‌های مختلف که بر تصمیمات حسابرسان تأثیرگذار است اولین قدم در راه غلبه بر آنها است. تکنیک‌های ضد سوگیری که شرح داده شدند می‌توانند یک رهنمود عملی برای مقابله با سوگیری‌های شناختی طی حسابرسی باشند.

منابع:

1. خواجهی، شکرالله، نوشادی، میثم. (۱۳۸۸). تجربه حسابرس و نقش آن در قضاوت موضوعات ساختارنیافته حسابرسی. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره سوم.
2. Gilovich, T.(1991). How we know what isn't so: The fallibility of human reason in everyday life. New York: Free Press.
3. Glover, S. M., S. J. Kennedy, and J. Jambalvo.(2000). Analytical procedures and audit planning decisions. Auditing: A Journal of Practice and Theory 19 (2).
4. Joyce, E.J., and G.C. Biddle.(1981). Anchoring and adjustment in probabilistic inference in auditing. Journal of Accounting Research 19: 120-145.
5. Kahneman, D., &Tversky, A. (1979). Intuitive prediction: Biases and corrective procedures, TIMS Studies in Management Sciences ,pp.313-327.
6. Knapp, Michael C., Carol A. Knapp.(2012). Cognitive Biases in Audit Engagements: Errors in Judgment and Strategies for Prevention. THE CPA JOURNAL, JUNE 2012

7. KPMG.(2011). Elevating Professional Judgment in Auditing and Accounting: The KPMG Professional Judgment Framework. A Monograph.
8. Shanteau, James.(1989). Cognitive Heuristics And Biases In Behavioral Auditing: Review, Comments And Observations, Accounting, Organizations and Society 14(1/2), pp. 165-177.
9. Tversky, A., &Kahneman, D. (1973).Availability: A heuristic for judging frequency and probability, Cognitive Psychology pp. 207-232.
10. Tversky, A., & Kahneman, D.(1974). Judgment and uncertainty: Heuristics and biases, Science pp. 1124-1131.

Cognitive Biases in Audit Professional Judgment

Ebrahim Ebrahimi⁽¹⁾
Hojjat Esmailzadeh⁽²⁾

(1) PhD student, Tehran University, Tehran, Iran

(2) PhD student, Tehran University, Tehran, Iran

Abstract

Auditor's judgment and decision making is affected by factors such as audit environment, auditor characteristics, evidence, decision making process and audit personal characteristics. Decision making factors is important. Making a good judgment in complex, non-confidence and pressure-packed settings require a systematic process. So it needs to consider common biases and traps that they can affect professional judgment. Cognitive bias refers to the tendency of individuals to make systematic judgment errors when making decisions. Judgment errors typically result from information processing shortcuts or heuristic behaviors that are "hardwired" or embedded into human decision-making processes. Dozens of cognitive biases have been identified and catalogued by psychologists, including several that are often mentioned in everyday conversations. But some of these biases are important. In this paper, these biases are introduced and some preventing strategies are presented.

Key words: Auditing, Cognitive Bias, Professional Judgment